



درس دهم: رهبری نظام جمهوری اسلامی

هدف‌های آموزشی

- ۱- اطلاع از تلاش‌های فراوان امام جهت استقرار نظام جمهوری اسلامی
- ۲- آشنایی با اقدامات خصمانه دشمنان نظام جمهوری اسلامی ایران
- ۳- آشنایی با رهبری خردمندان امام خمینی و عمق محبوبیت ایشان

امام خمینی از سال ۱۳۴۱ش و در جریان مخالفت روحانیت با رهبری مراجع، با لایحه انجمن‌های ایالتی و ولایتی وارد مبارزه با حکومت استبدادی و وابسته پهلوی شد و به تدریج زعامت و رهبری مبارزه را عهده‌دار گردید، تا دوران اوج‌گیری مبارزات یعنی سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ این رسالت را به خوبی انجام داد و با رهبری خردمندان و موقعیت‌شناسانه، انقلاب اسلامی ایران را در ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به پیروزی رساند. این مقطع اول رهبری امام خمینی می‌باشد، اما رهبری ایشان ادامه یافت و مقطع دومی هم در پی آن شکل گرفت. یعنی ایشان هم رهبری ملت در تغییر رژیم و حکومت استبدادی وابسته به بیگانگان را بر عهده داشت و هم رهبری تأسیس و بنیانگذاری حکومتی جدید؛ یعنی «جمهوری اسلامی» را در دست داشت؛ حکومتی واقعاً مردمی و برخاسته از آراء تک تک ملت ایران که به تصریح امام «میزان رأی ملت است» و هم حکومتی اسلامی و مطابق و سازگار با موازین و احکام و ارزش‌های اسلام.

البته اسلامی که - به تعبیر حضرت امام - با مظاهر تمدن و مدنیت جدید مخالف نبوده، بلکه تنها با مفسد آن مخالفت دارد. اسلامی که «آزادی»، «استقلال» و حاکمیت ملت بر سرنوشت خود را محقق کند و امام با بیان صریح و کلام

محکم خود در همان مدت اقامت در پاریس این مؤلفه‌ها و اهداف اصلی مبارزات را توضیح داده و تبیین کرده بود.

ایشان در راستای اهداف یاد شده و به خاطر اعتمادی که به ملت ایران داشته، با تأکید و اصرار و بدون از دست دادن زمان و ضایع کردن فرصت در ظرف حدود یک سال چندین انتخابات را پشت سر یکدیگر، و با رهبری خود این امکان را فراهم کرد تا ملت ایران اولاً نوع حکومت خود را اختیار کنند، آنگاه در گام دوم قانون اساسی داشته باشند، لذا خبرگان قانون اساسی انتخاب شدند تا پیش‌نویس قانون اساسی بررسی شود و ماحصل آن مجلس به رأی مردم گذاشته شود. علاوه بر سه انتخابات تعیین نوع نظام حکومتی، انتخاب خبرگان قانون اساسی، و همه‌پرسی قانون اساسی؛ انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی نیز دو انتخابات دیگر بود که جمعاً پنج انتخاباتی بود که بنا بود پایه‌های حکومت مردم‌سالار اسلامی را تثبیت نماید.

البته امام خمینی طبق اظهارات مکرری که در پاریس داشتند، واقعاً بنا داشتند رهبری و هدایت امور را داشته باشند و نه خود و نه روحانیون تصدّی امور اجرایی را در دست نداشته باشند؛ به همین خاطر دوازدهم بهمن ماه که وارد تهران شد و با سپری شدن دهه فجر و پیروزی انقلاب اسلامی در ۲۲ بهمن، و رتق و فتق امور و تشکیل بعضی از نهادهای انقلابی برای کمک به ساختار موجود حکومتی، جهت بهتر اداره شدن امور ملت، یازدهم اسفندماه ۱۳۵۷ از تهران وارد قم شد تا در قم زندگی کند و کار اداره امور کشور به صورت موقت در اختیار دولت موقت باشد تا پس از انتخابات‌های یاد شده و قوام یافتن ساختار جدید جمهوری اسلامی، دولت دائمی زمام امور کشور را در دست گیرد. اما در همین مقطع دو اقدام «تشکیل دولت موقت» و «تشکیل نهادهای انقلابی» دو اقدام

لازم و بسیار مؤثر و رو به جلو در راستای تحقق اهداف انقلاب اسلامی و استقرار نظام جمهوری اسلامی بوده است.

تاخیر در تشکیل دولت موقت، فرصت دادن به بقایای رژیم پهلوی بود، چنانکه عدم تشکیل نهادهای انقلاب اسلامی مانند جهاد سازندگی و کمیته‌های انقلاب اسلامی و اکتفا کردن به ساختار حکومتی گذشته، به آشفتگی اوضاع و ناامیدی مردم منجر می‌شد؛ همچنین عدم انحلال سازمان‌ها و وزارت‌خانه‌ها و ارکان و اجزاء حکومتی گذشته، غیر از ساواک؛ خود اقدام خردمندانانه دیگری بود که حاکی از دوراندیشی و جذب همگانی و ایجاد آرامش جهت سازندگی در کشور بوده است.

بازگشت امام خمینی به قم بدین معنا بود، که ایشان بنای مباشرت در حکومت تازه تأسیس - نظام جمهوری اسلامی - را نداشته و به رهبری و هدایت کلی امور و راهنمایی و خیرخواهی مردم و مسئولین اکتفا خواهد کرد.

بیماری قلبی امام خمینی در سال ۱۳۵۸ موجب برگشت ایشان از قم به تهران گردید و بنا به دستور و تجویز پزشکان می‌بایست در تهران و در منطقه‌ای مناسب از نظر آب و هوا سکونت نماید.

ایشان پس از مرخص شدن از بیمارستان، مدت کوتاهی در ساختمانی در دربند اقامت داشت، ولی چون مورد پسندشان واقع نشد، در نهایت در منزلی ساده، در محله جماران سکونت اختیار کرد.

اما اضافه بر بیماری قلبی و دستور اکید پزشکان مبنی بر سکونت حضرت امام در تهران - به لحاظ آب و هوا و در اختیار بودن امکانات مناسب پزشکی - ایشان از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۸ در تهران محله جماران ساکن شدند.

امام خمینی رژیم سلطنتی و پادشاهی را پس از دو هزار و پانصد سال سرنگون

کرد و نظام «جمهوری اسلامی» را بنیان گذاشت و این یعنی حکومت و حاکمان منتخب ملت ایران، امور کشور را اداره کنند و کشور از لحاظ مادی و معنوی آباد و آزاد گردد و پیشرفت واقعی در کشور و زندگی ملت به وجود آید. اما مجموعه‌ای از جریان‌ات و اتفاقات داخلی و خارجی مسیر امور کشور را عوض کرد: گروه‌های تروریستی و قدرت‌طلب دست به ترور و کشتار وسیع مسئولین ارشد نظام جدید زدند و از همان آغاز آشوب‌هایی مانند حوادث خوزستان و جریان خلق عرب، بندر ترکمن و حوادث تبریز و حزب خلق مسلمان و در پی آن تجمع گروه‌های ضد انقلاب در کردستان و به آشوب کشاندن آن دیار و سودای تجزیه کردستان در سر داشتن؛ یکی پس از دیگری خود را نشان می‌داد تا اینکه تجاوز حکومت بعثی عراق با زیر پا گذاشتن قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر بسیاری از امکانات و فرصت‌های سازندگی کشور را متوجه جنگ و دفاع از سرزمین در برابر متجاوزان کرد.

امام خمینی در ده سال رهبری ملت ایران پس از تأسیس نظام جمهوری اسلامی، به رغم همه حوادث تلخ و سهمگین و خسارت‌بار با روشن‌بینی الهی و استقامت، هدایت و خیرخواهی خود را برای همگان به‌ویژه ملت ایران و مسلمانان و محرومان جهان دریغ نداشت و تا پایان عمر با برکت خود «محبوب ملت» باقی ماند. نه ترور نزدیک‌ترین و مؤثرترین یاران و همراهان او، خللی در عزم پولادین او ایجاد کرد و نه تجاوز دولت متجاوز و جنایتکار صدامی با حمایت دولت‌های مرتجع منطقه و نیز قدرت‌های شرق و غرب - دو بلوک سرمایه‌داری و سوسیالیستی - او را متزلزل کرد، بلکه هنر او این بود که تهدیدها را برای ملت و کشور به فرصت تبدیل می‌کرد. او که حاکمیت ارزش‌های اسلامی از برترین آمال و آرزوهایش بود، از ظرفیت اجتماع عظیم حج استفاده کرد و ندای احیای حج



ابراهیمی و لزوم برائت از مشرکان را سر داد. برائت از همه مشرکان، چه مشرکان بت پرست قدیم و چه مشرکان ماده پرست جدید.^۱

خلاصه درس دهم:

امام خمینی بسیار تلاش کرد تا نظام جمهوری اسلامی بر ویرانه‌های نظام سلطنتی استقرار یابد.

امام خمینی طبق بنای اولیه پس از مدت کوتاهی از پیروزی انقلاب اسلامی به قم بازگشت و اداره امور کشور را به دولت موقت سپرد. با همه دشمنی‌های بدخواهان جمهوری اسلامی، امام خمینی با تبدیل تهدیدها به فرصت، رهبری نظام و ملت را بر عهده داشت و در اوج محبوبیت از دنیا رفت.

^۱. ر.ک: حج در کلام و پیام امام خمینی، تبیان آثار موضوعی، دفتر دوم.